



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمدی

www.

www.

www.

www.

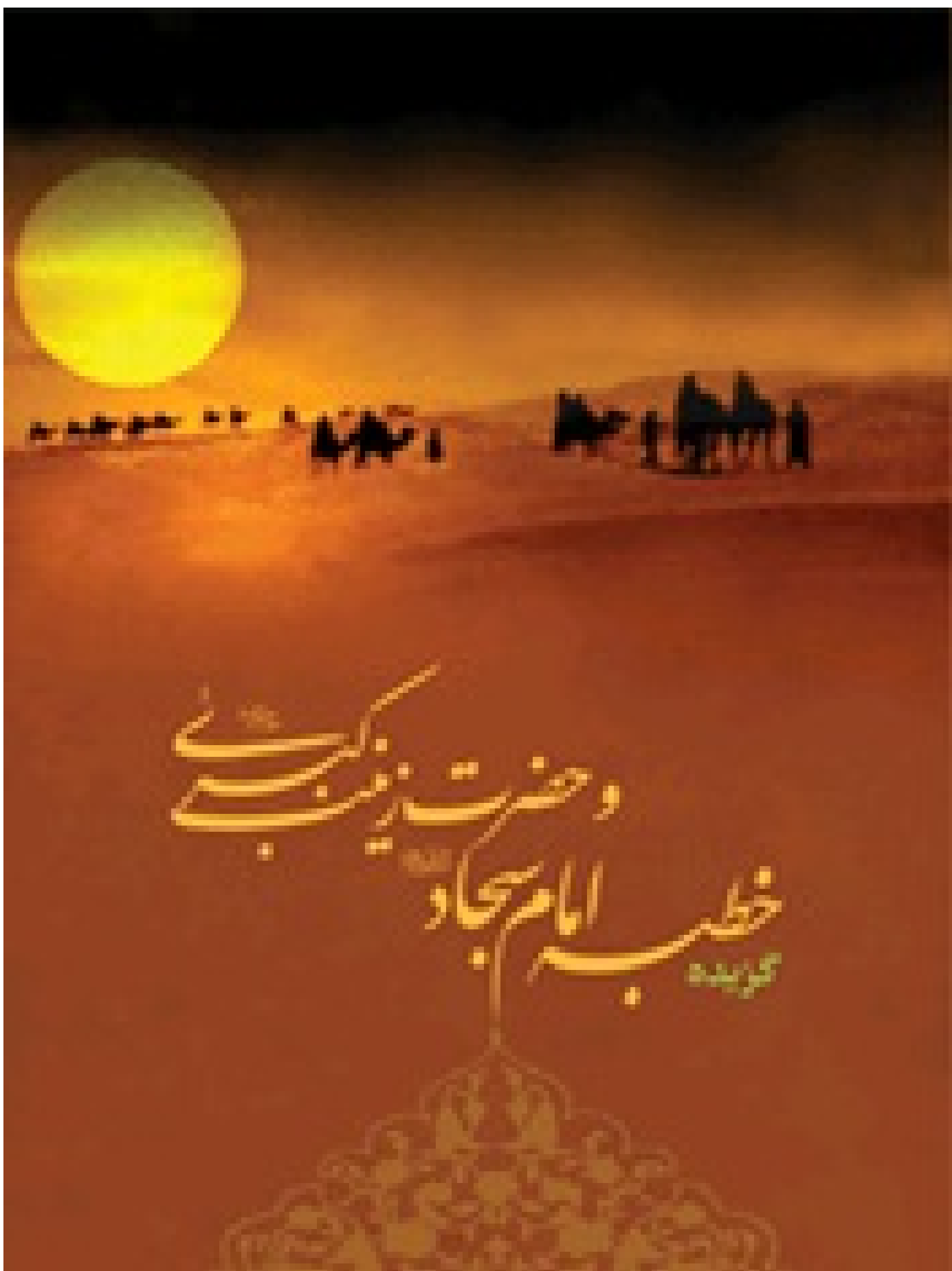
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



حضرت زین العابدین
خطب امام مجتهد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده‌ای از خطبه امام سجّاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام

نویسنده:

امور فرهنگی خواهران مسجد مقدّس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدّس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
گزیده‌ای از خطبه امام سجاد علیه‌السلام و حضرت زینب علیها‌السلام در کوفه، شام و مدینه	۶
مشخصات کتاب	۶
مقدمه	۶
خطبه حضرت زینب‌علیها‌السلام در کوفه	۶
خطبه حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام در کوفه	۷
اوضاع شام بسیار آشفته‌تر از اوضاع کوفه	۸
خطبه حضرت زینب‌علیها‌السلام در مجلس یزید در شام	۹
خطبه امام زین العابدین علیه‌السلام در شام	۱۰
خطبه امام زین العابدین علیه‌السلام در نزدیکی مدینه	۱۱
پی نوشت ها	۱۲
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان	۱۲

گزیده‌ای از خطبه امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام در کوفه، شام و مدینه

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: گزیده‌ای از خطبه امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام در کوفه، شام و مدینه / گردآوری امور فرهنگی خواهران مسجد مقدس جمکران. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۳۱ ص. ۱۲×۱۷ س.م. شابک: ۲۵۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۴۱-۴: وضعیت فهرست نویسی: فاپا (چاپ دوم) یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۷ (فیپا). یادداشت: چاپ دوم. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: علی بن حسین (ع)، امام چهارم ۳۸ - ۹۴ ق -- خطبه‌ها موضوع: Ali ibn Hosayn, Imam IV -- Public speaking -- Religious aspects -- Islam موضوع: زینب س بنت علی (ع)، ۶ - ۶۲ ق -- خطبه‌ها شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم). امور فرهنگی خواهران شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: ۲/۴۳/۵۴۳/۴۱۳۸۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۴ شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۱۶۶۵۸

مقدمه

واقعه عاشورا یکی از مستندترین وقایع تاریخ است؛ زیرا گذشته از راویان بسیار، که خود شاهد آن رخداد عظیم بودند و به نسلهای آینده انتقال دادند، معصومانی چون حضرت زین العابدین و حضرت باقر علیهما السلام و تنی چند از افراد برجسته خاندان نبوت مانند حضرت زینب و امّ کلثوم علیهما السلام در متن حادثه حضور داشتند و شدت مصیبت را با جان و دل احساس کردند و رسالت پیام‌رسانی را به عهده گرفتند و در هر فرصت مناسب پرده از جنایت یزید و همفکران او برداشتند. مجموعه خطبه‌های امام سجاد و حضرت زینب علیهما السلام بعد از نهضت عاشورا به ترتیب زمان ایراد سخنرانی تدوین شده است که این خطبه‌ها عبارتند از: ۱ - خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه. ۲ - خطبه حضرت امام زین العابدین علیه السلام در کوفه. ۳ - خطبه حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید در شام. ۴ - خطبه حضرت امام زین العابدین علیه السلام در شام. ۵ - خطبه حضرت زین العابدین علیه السلام در نزدیکی مدینه. ناگفته نماند این خطبه‌ها در منابع متعدّد روایی و تاریخی ذکر گردیده امید است که در معرفی هرچه بیشتر چهره‌های تابناک خاندان وحی توفیق یابیم و مورد توجه حضرت حقّ و اولیای الهی به خصوص حضرت ولی عصر عجّل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه

این خطبه اولین سخنرانی حضرت زینب علیها السلام بعد از واقعه «عاشورا» است که در جمع مردم «کوفه» ایراد شده است. ایشان با ایراد این خطبه خاطره حضور علی علیه السلام را در «کوفه» برای کوفیان زنده کردند. راوی این خطبه «حذیم بن شریک اسدی» می‌گوید: به خدا سوگند، هرگز زنی با حیا که چنین سخنور باشد ندیده بودم، گویی از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام سخن می‌گفت. او همچنین می‌گوید: حضرت زینب علیها السلام به مردم اشاره کرد که سکوت اختیار کنند. پس نفس در سینه‌ها حبس شد و زنگ‌های شتران و دیگر مرکب‌ها از صدا باز ایستاد. آنگاه پس از ستایش خداوند و درود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «... امّا بعد، ای اهل کوفه! ای نیرنگ‌بازان و فریبکاران و پیمان‌شکنان! به حال ما گریه می‌کنید؟! ای مکاران! هان! اشک چشم شما هرگز باز نیستد و ناله شما فرو ننشیند. مثل شما مثل آن زنی است که رشته خود را پس از محکم بافتن، یکی یکی از هم می‌گسست. شما نیز همچون او سوگندهای خود را در میان خویش، وسیله فریب و تقلّب ساخته‌اید. (۱) آیا در میان شما چیزی جز

لاف زدن و خودپسندی و دشمنی و دروغ و به ظاهر همچون کنیزان تملّق گو و به باطن همچون دشمنان سخن چین حکم فرما است؟! آیا جز این است که حالت شما همانند گیاهی است که در جایگاه ریختن فضولات (منجلاب‌ها) روییده شده باشد، و مانند نقرهای (گچی) که بر روی قبر مرده بیارایند؟! هان چه زشت است آنچه برای خود پیش فرستادید، و در اثر آن خداوند بر شما خشم گرفت، و پیوسته در عذاب می‌مانید. (۲) آیا بر برادرم گریه می‌کنید؟! آری بگریید، به خدا سوگند که به گریستن سزاوارید. از این پس، بسیار بگریید و کم بخندید، که به عار و ننگ آن (مصیبت وارده بر ابا عبدالله علیه السلام و خاندانش) گرفتار آمدید و رسوایی آن دامن گیرتان شده و تا ابد نخواهید توانست دامن خود را از آن پاک کنید. (۳) چگونه می‌توانید دامن خود را از کشتن سلاله خاتم نبوت و معدن رسالت، سرور جوانان اهل بهشت پاک کنید. کسی که پناه نیکان شما و گریزگاه پیش آمدهای ناگوار شما، جایگاه نور، حجت شما و بزرگ و رهبر قوانین شما بود؟! هان! چه زشت است آنچه برای خود پیش فرستادید و برای روزی که برانگیخته می‌شوید اندوختید. پس مرگ بر شما و مرگ بر شما، واژگون و نابود گردید! زیرا که قطعاً تلاش و عمل شما ضایع گردید و دست‌هایتان بریده شد و در معامله خود زیان کردید و با خشم خدا از او برگشتید و مهر خواری و بدبختی بر شما زده شد. وای بر شما! ای اهل کوفه آیا می‌دانید چه جگری از حضرت محمد صلی الله علیه و آله شکافتید؟ و کدامین زنان بزرگوار او را (در برابر دیدگان مردم) نمایانید؟ و کدام پرده حرمت او را دریدید؟ و چه خونی از او ریختید؟! «قطعاً عمل زشتی را مرتکب شدید، چیزی نمانده است که آسمان‌ها از این (عمل شما) بشکافد و زمین چاک بخورد و کوه‌ها به شدت فروریزند». (۴) چه مصیبت زشت [سخت، بی‌ظنیر، سیاه، قبیح و شکافنده‌ای را مرتکب شدید. مصیبتی که زمین و آسمان از آن لبریز می‌گردد. با این حال، آیا تعجب می‌کنید که چرا آسمان خون می‌بارد؟ «و قطعاً عذاب آخرت رسوا کننده‌تر است و شما یاری نخواهید شد...» (۵) بنابر این، مهلت‌ها و فرصت‌ها (که خداوند به شما داده)، شما را به کوچک و بی‌اهمیت شمردن و ندارد؛ زیرا کسی بر خدای - عزوجل - پیشدستی نتواند کرد و خونخواهی از او فوت نشود (هر لحظه می‌تواند انتقام بگیرد). هرگز! زیرا پروردگار شما در کمینگاه است. (۶) اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شما بگوید: «شما که آخرین امت هستید، با اهل بیت و فرزندان و افرادی که نزد من ارجمند و گرامی بودند، چه کردید؟ چه خواهید گفت؟!». (می‌بینم) برخی از آنان اسیر شدند و برخی به خون خود غلتیدند. این پاسخ خیرخواهی‌های من نبود که بعد از من درباره بستگانم چنین رفتار کنید. من بیم آن را دارم که همانند عذابی که بر اهل «ارم» نازل گردید، عذاب بر شما فرود آید. سپس از آنان روی برگرداند. «حذیم» (راوی خطبه) می‌گوید: در این هنگام دیدم که مردم سرگشته و حیران، انگشت در دهان گذاشته‌اند. توجه کردم و دیدم پیرمردی در کنارم نشسته و می‌گرید و محاسنش پر از اشک است و دست خود را به سوی آسمان بلند کرده و می‌گوید: «پدر و مادرم فدای شما که پیران شما بهترین پیران، و زنانان بهترین زنان و جوانان شما بهترین جوانان، و نسل شما نسل ارجمند است و فضیلت و برتری شما عظیم و بزرگ است!» به روایت احتجاج، حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: «ای عمّه! سکوت اختیار کن؛ زیرا گذشته برای آیندگان، مایه عبرت است، و بحمدالله تو دانای بی‌نیاز از آموزش، و فهیم بی‌نیاز از فهمانده‌ای. کسی را که روزگار نابودش کرده، گریستن و نالیدن او را بر نمی‌گرداند.» پس حضرت زینب علیها السلام سکوت اختیار نمود. آنگاه حضرت سجّاد علیه السلام از مرکب فرود آمد و خیمه برپا نمود و زنان را پیاده کرد و داخل خیمه شد.

خطبه حضرت امام زین العابدین علیه السلام در کوفه

این خطبه بلافاصله بعد از خطبه حضرت زینب علیها السلام ایراد شده است. راوی خطبه، «حذیم بن شریک اسدی» می‌گوید: حضرت امام زین العابدین علیه السلام (از خیمه) به سوی مردم بیرون آمد و در حال ایستاده به آنان اشاره نمود که سکوت اختیار کنید، و آنان ساکت شدند. آنگاه ستایش و ثنای خدا را به جای آورد و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درود فرستاد. سپس فرمود:

ای مردم! هر کس مرا می‌شناسد که می‌شناسد، هر کس مرا نمی‌شناسد بداند که من علی فرزند حسینم. (همان کسی که او را) در کنار رود «فرات» نه برای انتقام و خونخواهی (بلکه به ناحق) سر بریدند. من فرزند کسی هستم که احترامش هتک شد و اموالش ربوده شد و دارایی‌اش به تاراج رفت و خانواده او اسیر شد و همین افتخار برای ما بس! ای مردم، شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا جز این است که شما به پدرم نامه نوشتید و با او خدعه کردید؟ و با او عهد و پیمان بستید و بیعت کردید و سپس با او جنگیدید و او را یاری نکردید؟ پس مرگ و نابودی بر شما با این کرداری که برای خود از پیش فرستادید! چه زشت است رأی و نظر شما! با کدام چشم به رسول خداصلی الله علیه و آله خواهید نگریست، آن هنگام که به شما خواهد گفت: «اهل بیت مرا کشتید و احترام مرا هتک نمودید، پس شما جزو امّیت من نیستید.» راوی می‌گوید: در این هنگام صدای گریه مردم بلند شد و یکدیگر را نفرین می‌کردند و می‌گفتند: ندانسته به هلاکت و گمراهی مبتلا شدیم. آنگاه حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: «رحمت خدا بر کسی که نصیحت مرا بپذیرد و سفارشم را در راه خشنودی خدا و رسول خدا و اهل بیت او حفظ کند؛ زیرا رسول خداصلی الله علیه و آله الگوی نیکو برای ما است.» همگی گفتند: «ای فرزند رسول خدا! ما همه گوش (به فرمان) و مطیع توایم، و پیمان خود را با تو حفظ می‌کنیم و از تو روی بر نمی‌گردانیم و دست نمی‌کشیم. پس فرمان بده. خداوند رحمت کند! که ما با هر کس که با تو سر ستیز داشته باشد، سر ستیز داریم، با هر کس که با تو آشتی کند، آشتی می‌کنیم. ما قطعاً انتقام خون تو و خود را از کسانی که به تو و ما ستم کردند، خواهیم گرفت.» حضرت علی بن الحسین علیهما السلام در پاسخ فرمودند: «هرگز! ای پیمان شکنان مکار، میان شما و خواهش‌های شما حایلی قرار گرفته است (که نمی‌گذارد شما به پیمان خود عمل کنید). آیا می‌خواهید همان گونه که پیش از این با پدرانم رفتار نمودید، با من رفتار کنید؟ هرگز! سوگند به پروردگار شتران با نشاطِ حاجیان، که زخم (ما) هنوز بهبود نیافته است. همین دیروز بود که پدرم و اهل بیت او کشته شدند، هنوز غم فقدان رسول خداصلی الله علیه و آله و فقدان پدرم و برادرانم و فرزندان جدم از یادم نرفته است. گلویم برای آن شکافته است و تلخی آن را در گلوگاه و نایم احساس می‌کنم، و غصه‌های حاصل از آن در استخوان سینه‌ام روان است. تنها درخواست من از شما این است که نه به نفع ما باشید و نه ضرر ما.» سپس این اشعار را سرودند: جای شکفت نیست که امام حسین علیهما السلام را کشتند؛ زیرا پدر او قطعاً بهتر و گرامی‌تر از او بود. پس ای اهل کوفه، به مصیبتی که بر سر امام حسین علیهما السلام آمده شادمان نباشید که مصیبت شهادت پدر بزرگوارش بزرگ‌تر از آن بود. جانم به فدای کسی که در کنار نهر فرات کشته شد! سزای کسی که او را کشت، آتش جهنّم است.»

اوضاع شام بسیار آشفته‌تر از اوضاع کوفه

شام حدود چهل سال زیر بار تبلیغات خصمانه معاویه و همدستان اموی او قرار داشت، مردم شام، نه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را دیده بودند و نه این که اصحاب و یاران آن حضرت توانسته بودند در آنجا آزادانه به تبلیغ اسلام بپردازند. آنها نه علی علیه السلام را دیده بودند و نه حکومت علوی را، از این جهت تلقی و برداشت مردم شام از اسلام و حکومت اسلامی چیزی شبیه امپراطوری و یک حکومت سلطنتی بود که نمونه‌اش را در روم و ایران دیده و یا شنیده بودند و معاویه مشابه آن را در آن دیار برپا کرده بود. از این رو در شام شومِ اموی، بیش از هر جای دیگر بر آن بزرگواران سخت گذشت و حوادثی در آنجا پیش آمد که مشابه آن را در جاهای دیگر کمتر می‌توان پیدا کرد. پس از واقعه کربلا، عبیدالله بن زیاد «لعنه الله علیه» امر کرد تا اسیران آل محمد صلی الله علیه و آله را همراه شمر بن ذی الجوشن و مُخَفَّر بن ثعلبه بن عائذی لعنه الله علیهما به سوی شام روانه نمایند. پس از آنکه قافله اسیران به «شام» رسید در کتاب «کامل بهایی» است که اهل بیت را ۳ روز پشت دروازه شام نگه داشتند تا شهر را آذین ببندند به وضعی که چشمی ندیده بود جمعیت زیادی با دایره و سنج و طنبور، جامه نو پوشیده و خود را آراسته کرده بودند. امام سجّاد علیه السلام می‌فرمایند: اوّل صبح به دروازه شام رسیدیم، ولی ما را سه ساعت در آنجا نگه داشتند تا از یزید اذن ورودمان را،

به شهر بگیرند. در حالی که یهودی و نصرانی بی‌اذن داخل شهر می‌شدند. اسیران اهل بیت علیهم السلام را تا غروب گرسنه در کوچه‌ها و بازارهای شام گردانند. سپس به خانه یزید رسانند. یزید بن معاویه «لَعْنَهُ اللَّهُ عَلَيْهَا» در اولین فرصت، مجلسی عمومی با حضور بزرگان و معروفین شام برپا نمود و اهل بیت رسول خداصلی الله علیه و آله را با حال اسیری و در حالی که با طناب به هم بسته شده بودند وارد مجلس کردند. در آن مجلس، پس از آنکه یزید به سر مبارک سید الشهدا علیه السلام توهین کرد و اشعار کفرآمیز سرود، حضرت زینب علیها السلام برخاستند و خطبه‌ای ایراد فرمودند.

خطبه حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید در شام

ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است، و درود خداوند بر فرستاده‌اش (حضرت محمدصلی الله علیه و آله) و تمامی خاندان او. خداوند (سبحان) راست گفت، آن جا که فرمود: «سرانجام کار آنانکه بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند این شد که آیات خدا را تکذیب و مسخره کردند.» (۷) ای یزید! آیا چنین می‌پنداری؟ اکنون که کرانه‌های زمین و آفاق آسمان را بر ما تنگ کرده‌ای، و مانند کنیزان (اسیران) از سویی به سویی رانده می‌شویم، ما در نزد خدا، خوار و تو گرامی هستی؟ و این به دلیل عظمت و ارجمندی تو در نزد خدا است؟! از این رو، باد به بینی انداخته و با شادمانی و سرور، متکبرانه نگاه می‌کنی؛ زیرا می‌بینی که دنیا به مراد تو، و نظام امور به نفع تو است و حکومت و قدرت را که از آن ما بود بدون زحمت به دست آوردی. آهسته آهسته! آیا سخن خداوند - عزوجل - را فراموش کرده‌ای که می‌فرماید: «وکسانی که کفر ورزیدند نباید چنین تصور کنند مهلتی که به ایشان داده‌ایم برای آنان نیکوست، بلکه ما به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه خود بیفزایند، و آنگاه عذاب خفت بار برای آنان خواهد بود.» (۸) ای فرزند آزاد شدگان (به وسیله جد ما)، این رسم عدالت است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای داده‌ای، ولی دختران رسول خداصلی الله علیه و آله، اسیر و دست بسته در برابر، پرده‌های احترامشان هتک شده و صورت‌هایشان نمایان. دشمنان، آنان را شهر به شهر می‌برند و در مقابل دیدگان مردم بیابانی و کوهستانی و در چشم‌انداز هر نزدیک و دور و هر پست و شریف قرار می‌دهند. نه از مردانشان سرپرستی دارند و نه از یارانشان حمایت کننده‌ای.» البته چگونه امید دلسوزی از پسر کسی می‌توان داشت که دهانش جگر پاکان را جوید و به دور انداخت و گوشتش از خون شهیدان رویید؟! و چگونه کسی که با بغض و دشمنی و کینه به ما می‌نگرد، از دشمنی ما اهل بیت علیهم السلام کوتاهی خواهد کرد؟! آنگاه بی‌آن که خود را گنهکار بدانی و جرم را بزرگ بشماری، می‌گویی: کاش بودید و خوشحال می‌شدید و به من می‌گفتید ای یزید دستت درد نکند. در حالی که با چوب دستی خود بر دندان‌های مبارک ابا عبدالله الحسین علیه السلام، سرور جوانان بهشت می‌زنی. چگونه این سخن را نگوئی؟ تو که با ریختن خون فرزندان حضرت محمدصلی الله علیه و آله و ستارگان آسمان خاندان عبدالمطلب علیه السلام، زخم بهبود نیافته را خراشیدی و جراحت را از بیخ و بن برکنیدی و پدرانت را صدا می‌زنی، به گمانت که صدایت به گوششان می‌رسد! به همین زودی به جایی که آنان هستند خواهی رفت و آن وقت آرزو خواهی کرد که ای کاش دستت چلاق و زبانت لال بود و چنین حرفی نمی‌زدی و کاری که کرده‌ای نمی‌کردی. خداوند! حق و انتقام ما را از کسانی که به ما ستم نمودند، بگیر و خشم خود را شامل حال کسانی که خون ما را ریختند و حامیان ما را کشتند، بگردان. به خدا سوگند، تو (با این کار) پوست خود را کنیدی و گوشت خود را بریدی، و قطعاً با این عملی که مرتکب شدی بر رسول خداصلی الله علیه و آله وارد خواهی شد. آن جا که خداوند افراد آنان را جمع نموده، و امور پراکنده‌شان را گرد آورده و سامان داده، و حق آنان را خواهد گرفت. «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده پندارید، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.» (۹) و (آنگاه) خداوند به عنوان حاکم، و حضرت محمدصلی الله علیه و آله به عنوان شاکی و طرف دعوا، و جبرئیل به عنوان پشتیبان و یاور او، برای تو کافی است. به زودی کسی که (پدرت معاویه) تو را تشویق کرد و بر گردن مسلمانان نشانده، خواهد فهمید که چه کیفر بدی نصیب ستمکاران است. و

جایگاه کدام یک از شما بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است. اگرچه پیش آمده‌ای ناگوار روزگار مرا به سخن گفتن با تو کشانده، ولی در عین حال ارزش تو از نظر من ناچیز و سرزنش بزرگ و ملامت بسیار است. لیکن اشک‌ها جاری و سینه‌ها داغ است. هان! شگفتا و شگفتا که افراد شریف حزب الله در جنگ، به دست گروه شیطانی و آزاد شدگان کشته شوند! بنابراین، دست‌های اینان به ریختن خون ما، و دهانشان به خوردن گوشت ما آلوده است. و آن جسدهای پاک و پاکیزه پی در پی خوراک گرگ‌های درنده گشته و در زیر چنگال بچه کفتارها به خاک آلوده شده است. و اگر ما را امروز به عنوان غنیمت گرفته‌ای، قطعاً به زودی ما را به زیان خود خواهی دید، آنگاه جز آنچه را که دستانت پیش فرستاده (اعمال) نخواهی یافت و «پروردگار تو هرگز به بندگانش ستم نمی‌کند». لذا تنها به خدا شکایت می‌برم و تنها بر او تکیه دارم. پس حيله به کار ببر و نهایت تلاش و کوشش خود را بکن. ولی به خدا سوگند هرگز نخواهی توانست یاد ما را (از دل‌ها) محو کنی، و وحی ما را بمیرانی، و به مُنتهای امر ما برسی (نابودی ما را ببینی)، و ننگ این جنایت را از خود بشویی. آیا جز این است که تو خرفت شده‌ای، و روزگار حکمرانی تو، چند روزی بیش نیست، و افراد تو پراکنده خواهند شد؟ روزی که منادی، ندا بر می‌آورد: «هان! لعنت خداوند بر ستمگران!» (۱۰) پس ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است و آغاز امر ما را به نیک بختی و آمرزش و پایان کار ما را به شهادت و رحمت ختم نمود. و از خداوند می‌خواهیم که پاداش آنان را به طور کامل و هرچه بیشتر عطا فرماید و ما را بازماندگانی نیک، گرداند که او مهربان و با محبت است و خداوند ما را بس است و بهترین کارساز است.» (۱۱)، (۱۲)

خطبه امام زین العابدین علیه السلام در شام

از روایات متعدّد برمی‌آید که این خطبه قطعاً در «شام» و در شهر «دمشق»، ایراد شده است، نه در مجلس اموی‌ای که «یزید» به منظور ورود اُسرای کربلا تشکیل داده بود. (۱۳) هم چنین باید توجه کرد که این خطبه در احادیث گاه به صورت بسیار مختصر و گاه مفصّل نقل شده است. در موارد مفصّل نیز به صورت‌های متفاوت آمده است. ما در اینجا این خطبه را به نقل «نَفْسُ الْمَهْمُوم» از کتاب «الکامل البهائی» ذکر می‌کنیم. (۱۴) در زمان اقامت اُسرای «کربلا» در «شام»، روزی حضرت سجّاد علیه السلام از یزید خواست که خطبه نماز جمعه را ایشان ایراد کنند و یزید موافقت کرد. ولی وقتی روز جمعه فرا رسید، یزید به شخص دیگری دستور داد که به منبر برود و هرچه به زبانش می‌آید در بدی امیرمؤمنان و امام حسین علیهما السلام و خوبی ابوبکر و عمر بگوید. پس از آنکه وی به منبر رفت و در این باره سخن گفت؛ امام زین العابدین علیه السلام از یزید خواست که اجازه بدهد او نیز به منبر برود. یزید با وجود پشیمانی از وعده‌ای که به امام علیه السلام داده بود، پس از میانجی‌گری پسرش «معاویه بن یزید بن معاویه» «لعنه الله علیهما» مجبور به پذیرش شد و امام علیه السلام به منبر رفت و فرمود: «ستایش خدا را که آغازی برای او نیست، جاودانه‌ای که هرگز نابود نمی‌گردد و اوّلی که نقطه آغازی برای او و آخری که نقطه پایانی برایش وجود ندارد، و بعد از نابودی مخلوقات پاینده است. شب‌ها و روزها را مقدر نمود، و سهم روزی را میان خلق تقسیم کرد. پس خداوند تبارک و تعالی، پاک و بلند مرتبه (فرمانروای همه موجودات) و بسیار داناست. و خطبه را ادامه داد تا این که فرمود: خداوند متعال دانش، بردباری، دلیری، بخشنده‌گی و محبت در دل مؤمنان را به ما عطا کرده است، و رسول خدا صلی الله علیه وآله و جانشین او، و سرور شهیدان، و جعفر طیار علیهم السلام که در بهشت (با دو بال) پرواز می‌کند و دو سبط این امت، (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) و مهدی‌ای (علیه السلام) که «دجال» را می‌کشد؛ از ما است. ای مردم هر کس مرا می‌شناسد که می‌شناسد، هر کس نمی‌شناسد من با ذکر حَسَب و نَسَب، خود را معرفی می‌کنم: من فرزند مکه و منایم، من فرزند زمزم و صفایم، من فرزند کسی هستم که رکن (حَجَرُ الْأَسْوَد) را با عبای خود برداشت و در جای خود نصب کرد. من فرزند کسی هستم که بهتر از همه لباس مخصوص حج را به تن کرد، من فرزند بهترین طواف کنندگان و سعی کنندگان، فرزند بهترین حج (مناسک) به جا آورندگان هستم. من فرزند کسی هستم که شبانه از سوی مسجد

الاقصی به معراج برده شد. من فرزند کسی هستم که او را به سدره المنتهی بردند. من فرزند کسی هستم که نزدیک به حضرت حقّ گردید تا اینکه فاصله‌اش به طول دو کمان یا نزدیک‌تر شد.» من فرزند کسی هستم که خداوند بزرگ آنچه را که باید به او وحی می‌کرد وحی کرد. من فرزند حسین کشته شده، در کربلایم. من فرزند علی مرتضایم. من فرزند محمّد مصطفایم، من فرزند خدیجه کبرایم، من فرزند فاطمه زهرایم، من فرزند سدره المنتهایم، من فرزند درخت طوبی هستم. من فرزند کسی هستم که به خون خود غلتید. من فرزند کسی هستم که (حتّی) جّیان و پریان در تاریکی بر او گریستند، من فرزند کسی هستم که پرندگان در آسمان بر او نوحه سرایی کردند. هنگامی که سخن حضرت علیه‌السلام به اینجا رسید، مردم گریه و ناله سر دادند و ضجّه زدند و یزید - لعنت خداوند بر او باد - ترسید که آشوبی به پا شود، لذا به مؤدّن دستور داد که برای نماز اذان بگوید. مؤدّن ایستاد و گفت: «اللّهُ أَكْبَرُ» اینجا بود که حضرت زین العابدین علیه‌السلام فرمود: «آری، خداوند بزرگ‌تر، برتر، والاتر و گرمی‌تر است از آنچه بیم و هراس دارم.» وقتی مؤدّن گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، امام علیه‌السلام فرمود: «آری، به هر گواهی دهنده گواهی می‌دهم و از طرف هر انکار کننده می‌گویم که معبود و پروردگاری جز او وجود ندارد.» هنگامی که مؤدّن گفت: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» امام علیه‌السلام عمّامه خود را از سر برداشت و به مؤدّن فرمود: «به حقّ این محمّد (که اسم او را بردی) از تو می‌خواهم که یک لحظه سکوت اختیار کنی. سپس رو به یزید نمود و فرمود: «ای یزید! این رسول عزیز و گرمی‌جّد من است یا جّد تو؟ اگر بگویی: جّد توست، همه آگاهان می‌دانند که دروغ می‌گویی؛ و اگر بگویی: جّد من است، پس چرا پدر مرا از روی ظلم و ستم کشتی و اموال او را به تاراج بردی و زنانش را اسیر گرفتی؟» حضرت این سخن را فرمود و گریبان خود را چاک زد و سپس گریست و در ادامه فرمود: «به خدا سوگند، کسی که در دنیا جّد او رسول خداصلی الله علیه وآله باشد جز من نیست، پس چرا این مرد، پدر مرا از روی ظلم و ستم کشت و ما را مانند رومیان اسیر گرفت؟» سپس فرمود: «ای یزید! آیا این کار را می‌کنی و آنگاه می‌گویی: محمّدصلی الله علیه وآله رسول خدا است، و رو به قبله می‌ایستی؟ و ای بر تو در روز قیامت، آنجا که خصم و شاکی تو جّد و پدرم خواهند بود.» در این زمان یزید با فریاد به مؤدّن گفت که اقامه نماز را بگو. میان مردم سر و صدا و غوغای عظیمی برپا شد. لذا برخی با او نماز گزاردند، و برخی نماز نخوانده پراکنده شدند.

خطبه امام زین العابدین علیه‌السلام در نزدیکی مدینه

وقتی کاروان اُسرای کربلا به نزدیکی «مدینه» رسید، امام زین العابدین علیه‌السلام و دیگر همراهان فرود آمدند و حضرت به «بشیر بن حدلم» دستور داد که با سرودن اشعاری خبر آمدن قافله کربلا را به گوش مردم مدینه برساند. وی دستور حضرت را عملی کرد و مردم مدینه اعم از مرد و زن و کوچک و بزرگ هراسان و نالان به سوی خیمه امام سجّاد علیه‌السلام حرکت کردند و این واقعه عظیم را به او تسلیت گفتند آنگاه امام زین العابدین علیه‌السلام با دست اشاره کرد که سکوت اختیار کنند، سپس این خطبه را ایراد فرمودند: «ستایش خدا را که پروردگار جهانیان، مالک روز پاداش و آفریننده همه مخلوقات است، کسی که (از دید چشم و عقل) دور و برتر از آسمان‌های بلند است، و نزدیک است به حدّی که سخن آهسته (نجوا) را می‌شنود. به خاطر امور بزرگ و پیشآمدهای ناگوار روزگار، و درد حاصل از این پیشآمدها، و سوز این حوادث گدازنده و بزرگی مصیبت، مصائب بزرگ، سخت، اندوهناک، سنگین و از بُن برکننده، خدا را ستایش می‌کنیم. ای مردم قطعاً خداوند که ستایش مخصوص اوست ما را به مصیبت‌های عظیمی مبتلا کرد و رخنه بزرگی در اسلام پدید آمد. ابا عبدالله الحسین علیهما‌السلام و اهل بیت او کشته شدند، و زنان و کودکان او را اسیر گرفتند، و سر او را به بالای نیزه زده و در آبادی‌ها گرداندند. این مصیبتی است که هیچ مصیبتی به پای آن نمی‌رسد. ای مردم! کدامیک از مردان شما می‌تواند بعد از کشته شدن امام حسین علیه‌السلام، شادمان گردد؟! (کدامین دل برای او اندوهناک نمی‌گردد؟! یا کدام یک از شما می‌تواند اشک دیدگانش را نگه دارد و از سرازیر شدن آن خودداری نماید؟! در حالی که قطعاً

آسمان‌های هفت گانه استوار، به خاطر کشته شدن او گریستند، و دریاها با امواج خود، و آسمان‌ها با ارکان و پایه‌های خود، و زمین از همه جوانب، و درختان با شاخه‌هایشان و ماهی‌ها و انبوه آب دریاها و فرشتگان مقرب خدا و همه ساکنان آسمان بر او گریستند. ای مردم! کدام دل برای کشته شدن او نمی‌شکند؟! یا کدام قلبی است که ناله نکند؟! یا کدام گوشی است که این رخنه را که در اسلام پدید آمده، بشنود و کر نشود؟! (و آن را بزرگ بشمارد). ای مردم! ما از شهر و دیار خود رانده شدیم و در به در بیابان‌ها و دور از وطن گردیدیم گویی که اهل ترک و کابلیم. بدون هیچ گناهی که از ما سر زده باشد و کار ناخوشایندی که مرتکب شده باشیم و یا رخنه‌ای در اسلام وارد کرده باشیم. چنین رسمی در نسل‌های پیشین خود نیز نشنیده‌ایم و این یک کار نو ظهوری بود (تازه ای بود). به خدا سوگند، اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همانگونه که سفارش ما را کرد، به جنگ با ما امر می‌نمود، قطعاً افزون از آنچه کردند، نمی‌کردند. پس «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (ما از آن خداایم و به سوی او باز می‌گردیم). چه مصیبت بزرگ و دلسوز، دردناک، دلخراش، ناگوار و تلخ و جانسوزی بود، پس ما اجر این مصیبت‌ها را از خداوند می‌خواهیم که او عزیز و غالب و منتقم است.

پی نوشت‌ها

(۱) اشاره به آیه ۹۲ سوره نحل. (۲) اشاره به آیه ۸۰ سوره مائده. (۳) اشاره به آیه ۸۲ سوره توبه. (۴) اشاره به آیه ۸۹ - ۹۰ سوره مریم. (۵) اشاره به آیه ۱۶ سوره فصلت. (۶) اشاره به آیه ۱۴ سوره فجر. (۷) سوره مبارکه روم، آیه ۱۰. (۸) سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۷۸. (۹) سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۶۹. (۱۰) سوره مبارکه هود، آیه ۱۸. (۱۱) سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۷۳. (۱۲) الملهوف (المهلوف علی قتلی الطفوف)، ص ۲۱۸ - ۲۱۵. (۱۳) احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۱۳۳؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۸۱ - ۱۶۱ و ۱۷۴؛ نفس المهموم، ص ۴۱۰. (۱۴) دو نسخه مفصل دیگر این خطبه در بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷ - ۱۳۹؛ و ۱۷۴ ج ۱۷۵ ذکر شده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث‌های بی محتوا در تلفن‌های همراه و رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب،

گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دالود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

فائمه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹